

# شبان

TALIM Ministries مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند:

مجله شبان

شماره ۹، سال دوم، آوریل ۲۰۰۱

مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،  
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

## خدا چگونه انسان را عوض می‌کند

انجیل زندگی انسان را عوض می‌کند؛ اما اغلب این تغییر را چنانکه باید و شاید، مشاهده نمی‌کنیم. پولس رسول در اول تسالونیکیان ۳:۴ می‌فرماید: «این است اراده خدا، یعنی قدوسیت شما...» پس چرا در زندگی کسانی که تحت تعلیم و رهبری ما هستند، تغییر چندانی نمی‌بینیم؟ این سؤالی است بسیار جدی که باید با دقت تمام به آن توجه کرد، زیرا وقتی

قدرت دگرگون‌کننده انجیل را در زندگی ایمانداران نمی‌بینیم، درستی پیامان مورد سؤال قرار می‌گیرد. بگذارید یک نکته را روشن بیان کنم: من ایمان دارم که انجیل عیسی مسیح قدرت دگرگون‌سازی ما را دارد و همصدا با پولس اعلام می‌دارم که «از انجیل مسیح عار ندارم زیرا که قوت خداست برای نجات...» (رومیان ۱:۱۶)؛ من به فرمایش

چرا در زندگی کسانی که تحت تعلیم و رهبری ما هستند، تغییر چندانی نمی‌بینیم؟ این سؤالی است بسیار جدی که ممکن است درستی پیامان مورد سؤال قرار دهد

پولس رسول ایمان دارم مبنی بر این که کلام خدا قادر است ما را برای هر عمل نیک مجهز سازد (دوم تیموتاؤس ۳:۱۶-۱۷). پس مشکل در کجاست؟

ابتدا باید توجه داشت که موانع رشد روحانی ما در فکر ما قرار دارد. من به این یقین رسیده‌ام که بسیاری از ما ضعف‌های خود را به راحتی پذیرفته‌ایم، طوری که دیگر آنها را نمی‌بینیم و برای آنها دلایلی منطقی می‌یابیم و می‌گوییم: «خوب، من اینطوری هستم و کاری هم نمی‌شود کرد!» به خود می‌گوییم:

«من از بچگی زودخشم بودم و دستخوش احساساتم. عوض بشو هم نیستم!» در ضمن پی برده‌ایم که دیگران هم این اخلاق ما را تحمل می‌کنند و ما نیز از این امر سوء استفاده می‌کنیم. اما بدتر از همه اینکه عدم رشد ما جای پاییی شده برای شیطان که دائماً تخم شک را نسبت به ارزش خودمان و وعده خداوند مبنی بر تغییرمان در دلمان می‌کارد. مسیح با قاطعیت اعلام فرمود: «حق

را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد» (یوحنا ۸:۳۲). اما چه عاملی باعث خواهد شد که با حق و حقیقت روبرو شویم؟

بسیاری از ما تغییر نمی‌کنیم مگر اینکه زندگی ما را وادار سازد. می‌دانیم که خدا فرزندان خود را تأدیب می‌کند تا بتوانند ثمر بیاورند (عبرانیان ۱۲:۱۰-۱۱)؛ به همین دلیل است که اغلب دچار تجربیات خردکننده

می‌شویم. کم نیست تعداد کسانی که در زندگی زناشویی‌شان به بن‌بست رسیده‌اند، یا خدمتشان را از دست داده‌اند، یا سلامتی خود را به خطر انداخته‌اند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که خدا قصد جان ما را کرده، می‌خواهد ما را از بین ببرد! اما اجازه بدهید نظر خود را در باره هدف خدا از این امر اظهار دارم. او تمامی نقاط اتکای ما را از ما می‌گیرد تا یکه و تنها و خلع سلاح شده در مقابل او قرار بگیریم. او می‌خواهد که مفهوم مصلوب (بقیه در صفحه ۹)

# سرسخن

خوانندگان گرامی،

همه دست‌اندرکاران مجله شَبان عید قیام را به شما تبریک گفته، دعا می‌کنند تا «عظمت بی‌نهایت قوت او» را «نسبت به ما مؤمنین... که در مسیح عمل کرد چون او را از مردگان برخیزانید و به دست خود در جایهای آسمانی نشانید» از سر نو تجربه کنید (افسیان ۱۹:۱-۲۰). باشد که خداوند قیام کرده در زندگی و خدمت شما جلال یابد.

از کلیه خوانندگان عزیزی که ما را برای شماره پیشین شَبان مورد تشویق قرار دادند، سپاسگزاری می‌کنم. برای نویسندگان مقالات شادی بی‌پیش از این وجود ندارد که ببینند نوشته‌شان باعث تشویق و دلگرمی همکارانشان شده است. از خوانندگانی نیز که تغییر نشانی‌شان را به ما اطلاع دادند، تشکر می‌کنم. شَبان مجله‌ای است که با ایمان تهیه می‌شود و انتشار آن متکی به هدایای فردی و کلیسایی است. لذا هر هدیه‌ای که فرستاده می‌شود، باعث برکت است.

مایلم این نکته را با خوانندگان عزیز در میان بگذارم که در ماه فوریه افتخار سفر به سیدنی (استرالیا) را داشتم و با استقبال گرم کلیساهای ایرانی این شهر مواجه شدم. در آنجا به فیض خداوند، سمیناری در مورد «ازدواج مسیحی» و چند جلسه بشارتی برگزار نمودیم. خواهش می‌کنم که کلیساهای ایرانی استرالیا را در دعا‌های خود به یاد بیاورید.

در فاصله شماره قبلی و شماره فعلی شَبان، از دو دستگذاری به مقام کشیشی باخبر شدیم. آقای جلال عادل در تاریخ ۷ فوریه ۲۰۰۱ در شهر کبک (کانادا) توسط اتحادیه میسیونری مسیحی به مقام کشیشی دستگذاری شدند؛ آقای رضا ستوده نیز در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۱ توسط کلیساهای باپتیست جنوب بیرمنگام (انگلستان) به مقام کشیش و شبان ایرانیان منصوب گشتند. خواهش می‌کنم این دو برادر را در دعا به یاد بیاورید.

خادمین عزیز خداوند، با امانت و وفاداری به جلو پیش بروید و قلب و پیام خود را با حقیقت الهی محفوظ دارید تا پروزیهای او را به چشم ببینید.

تت استیوارت

سر دبیر

مطالب این شماره:

- خدا چگونه انسان را عوض می‌کند  
(تت استیوارت) ص ۱
- وعظ ما باطل نیست!  
(فریبرز نیکوروش) ص ۳
- کلیسای هدفمند (بخش ۶)  
(سارو خاچیکیان) ص ۴
- مسح الهی (بخش ۲)  
(ادوارد هوسپیان) ص ۵
- موعظه کتاب مقدسی (بخش ۴)  
(تت استیوارت) ص ۷
- تریبون آزاد  
(تت استیوارت) ص ۹
- طرح کلی برای تهیه موعظه  
(تت استیوارت) ص ۱۱

مجله شَبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.  
P.O. BOX 471736  
Aurora, Colorado 80047-1736  
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11  
Fax: +1-303-873 62 16  
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

# وعظ ما باطل نیست

## نوشته کشیش فریبرز نیکوروش

خود درک کنند. به همین خاطر بود که پولس رسول به ایشان یادآور می‌شود که کلید حل معمای مرگ در دست مسیح قیام کرده می‌باشد. به عبارتی دیگر، با تفکر در قیام عیسی مسیح و انتظار بازگشت او، نه تنها خود تسلی خواهیم یافت بلکه قادر خواهیم بود که وسیله تسلی دیگران نیز بشویم.

## چرا از مرگ اینقدر واهمه داریم؟

این روزها کم‌کم به عید رستاخیز نزدیک می‌شویم. یک بار دیگر موضوع مرگ و قیام عیسی مسیح را در پیش خود مشاهده می‌کنیم. اشاره کردم که تجربه من در محیط بیمارستان، از ترس انسانها از روبرو شدن با مرگ حکایت می‌کند. شاید به همین علت است که از زمان پیش از تاریخ، بشر در پی یافتن اکسیر جوانی و آب حیات بوده است. راستی علت این امر چیست؟ چرا ما از مرگ اینهمه واهمه در دل داریم؟ کلام خدا از موت به‌عنوان دشمن بزرگ و آخر ما انسانها یاد می‌کند. بسیاری از انسانها از ترس موت در اضطراب و نگرانی دائم به‌سر می‌برند و در نتیجه، از بلوغ روحانی بی‌بهره می‌مانند.

## پاسخ انجیل

حال اگر موت دشمن بزرگ ما انسانها است، و ترس از مرگ باعث اینهمه گرفتگی روحانی در ما (بقیه در صفحه ۱۲)

## مرگ؟ «دور از جون»!

همه ما به‌نوعی با مرگ و میر آشنایی داریم و غم از دست دادن عزیزی را تجربه کرده‌ایم و یا اینکه شاهد عزاداری دوست و یا یکی از اعضای کلیسایمان بوده‌ایم. من یک تابستان را در بیمارستان شهر به‌عنوان کشیش بیمارستان (Chaplain) خدمت کرده‌ام و شاهد مرگ و ناراحتی افراد بسیاری بوده‌ام. وقتی که کلام خدا به ما می‌گوید که موت دشمن ماست، دروغ نمی‌گوید. اغلب مردم حتی حاضر نیستند که کلمه «مرگ» را بر زبان بیاورند. موضوع مرگ همیشه با عجله به کناری گذاشته می‌شود و با کلماتی از قبیل «دور از جون»، «خدا نکنه»، آن را به آینده بسیار دروی پرتاب می‌کنیم. جالب است که هر قدر هم که مرگ و میر بینیم و با آن سر و کار داشته باشیم، باز حالت دشمنی ذاتی ما با مرگ همراه ما می‌ماند. در تجربه‌ام در بیمارستان، روزی نبود که با موضوع مرگ و شیون خانواده بیمارها روبرو نشوم. ولی نکته جالب اینجا بود که حتی پرستارها و دکترها هم در باره مرگ حرف نمی‌زدند. گویی این تفکر در ذهن مردم جا گرفته است که اگر در مورد مرگ حرفی زده نشود و از کلمه «مرگ» ذکری به میان نیاید، واقعیت فناپذیری ما به‌خودی‌خود برطرف خواهد شد.

اعضای کلیسای تسالونیکي هم در غم از دست دادن عزیزان خود سوگووار بودند. آنها می‌خواستند که به‌نوعی مسأله مرگ را از دیدگاه ایمان مسیحی

## حالا چه وقت مردن بود؟!

امروز کلی و قتم به هدر رفت. جریان از این قرار بود که از ماهها پیش برای شنیدن سخنرانی استاد محترم و مهمی نام‌نویسی کرده بودم و برای شرکت در کنفرانس و شنیدن سخنرانی ایشان شهریه نسبتاً زیادی هم از جیب نازنین پرداخته بودم. پس از جنگ با ترافیک صبحگاهی و پیروز شدن بر لشکر آهن و لاستیک و رانندگان عصبانی و نیمه خواب و نیمه بیدار و غلبه بر ازدحام و سر و صدای بامداد دلپذیر شهر، بحمدالله در میدان مصاف با جای خالی پارکینگ هم پیروزی حاصل شد و در مسابقه دو پانصد متر (یعنی دویدن از محل پارک ماشین تا مکان کنفرانس) هم برنده شدم. بالاخره نفس‌نفس‌زنان به محل کنفرانس رسیدم. هنوز لبخند پیروزی بر لبانم نقش نبسته بود که یکی از همکارانم را دیدم که با لب و لوجه و دماغی آویزان در مسیر مخالف من حرکت می‌کند. گفتمش: «فلانی، سالون سخنرانی از اون طرفه...» در جواب گفت: «خواهر پروفوسور... دیشب فوت کرده و ایشان برنامه سخنرانی را لغو کرده است». خوب از شنیدن خبر درگذشت خواهر استادم ناراحت شدم و در حالی که دست از پا دراز‌تر به‌سوی ماشین برمی‌گشتم، به شوخی به دوستم گفتم: «حالا کسی هم نیست که از همشیره پروفوسور بپرسد که ای بابا، حالا چه وقت مردن بود؟»

# کلیسای هدفمند

## اهداف مشخص کلیسا

### بخش ششم و آخر

### از کشیش سارو خاچیکیان

در چنین کلیسایی واژه‌هایی که به گوش می‌رسند عبارتند از: پرستش، دعا، عبادت، عطایای روحانی، روح، قدرت، بیداری روحانی. (پ) کلیسای مشارکتی

در این کلیسا معمولاً شبان کسی است که دوست دارد مردم را جمع کند، به دردشان برسد و نیازهایشان را برآورد. واژه‌های اصلی در این کلیسا عبارتند از: محبت، تعلق، مشارکت، رفاقت، دوستی، حمایت، رابطه، شام کلیسایی، جلسات خانگی، پیک‌نیک.

#### (ت) کلیسای تعلیمی

این کلیسا به تعلیم و موعظه زیاد اهمیت می‌دهد. واژه‌هایی که میان اعضا شنیده می‌شود، این‌ها هستند: موعظه، مطالعه کتاب مقدس، یونانی، عبری، تعلیم، معلومات، شناخت، شاگردسازی.

#### (ث) کلیسای خدماتی

این کلیسا به «کنندگان کلام» اهمیت می‌دهد نه به حرف و موعظه خشک و خالی. واژه‌های این کلیسا عبارتند از: نیاز مردم، خدمت، عمل، فعالیت، رسیدگی، جامعه.

و اما کلیسای سالم آنست که بین این پنج هدف اصلی موازنه برقرار کند، چراکه هیچ یک از (بقیه در ص ۱۰)

به سبب نبود سازماندهی، در ایمانشان چندان دوام نمی‌آوردند. اما وسلی کارش مرتب بود و با نظم و ترتیب کار می‌کرد. نتیجه این شد که کار او ثمربخش شد به طوری که امروزه نام وسلی را کمتر مسیحی است که نشنیده باشد.

بدون داشتن سیستم و ساختاری که بتواند پنج هدف کلیسا را بطور هماهنگ و در کنار یکدیگر به مرحله اجرا درآورد، کلیسا رشد نخواهد کرد. همه کلیساها کم و بیش این پنج هدف را که در شماره قبل بررسی کردیم، به نحوی در پیش می‌گیرند. اما مسأله اینجاست که هر کلیسایی ممکن است یکی دو هدف را بیش از اهداف دیگر مورد تأکید قرار دهد. معمولاً اشکال در عدم هماهنگی میان اهداف است.

#### پنج نوع کلیسا بر اساس پنج نوع هدف

#### (الف) کلیسای بشارتی

در چنین کلیسایی، هدفی که از همه مهم‌تر است، نجات جانهاست. در این کلیسا آنچه مورد تأکید است عبارتست از: شهادت دادن، بشارت، نجات، تصمیم به پیروی از مسیح، تعمید، ملاقات، دعوت مردم به جلوی منبر، و غیره.

#### (ب) کلیسای پرستشی

کلیسای سالم کلیسایی است که هدف داشته باشد و به سوی آن حرکت کند. چنین کلیسایی است که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی رشد می‌کند. برای تبدیل کلیسایتان به کلیسای هدفمند، باید چهار مرحله مهم را به شرح زیر طی کنید:

- ۱- اهداف کلیسا را مشخص کنید؛
- ۲- اهداف را با اعضای کلیسا در میان بگذارید و آنها را به طور مرتب به ایشان گوشزد نمایید؛
- ۳- کلیسای خود را بر اساس این اهداف سازمان دهید؛
- ۴- این اهداف را در همه بخشهای کلیسایتان به کار گیرید.

در شماره پیشین، به دو مرحله نخست پرداختیم؛ اینک به دو مرحله بعدی می‌پردازیم:

### ۳) کلیسای خود را بر اساس اهداف پنجگانه سازمان دهید

جرج وایتفیلد و جان وسلی از واعظین معروف قرن هجدهم هستند. هزاران تن در اثر موعظه‌های وایتفیلد ایمان می‌آوردند، اما

# مسح الهی

## و اهمیت آن در خدمت خادم



بخش دوم: چگونه بدانیم مسح الهی داریم

در شماره قبل، با ذکر نمونه‌های مشخصی از کلام خدا در باره دعوت و مسح خاص، مطالبی را خدمت دوستان عزیز ارائه دادم. این بار و در شماره‌های بعدی، در ادامه موضوع می‌خواهم به این سؤالات مهم پاسخ دهم: مفاهیم مسح الهی به‌راستی چیست؟ علائم مسح الهی چیست؟ از کجا می‌دانیم مسح الهی داریم؟

با پاسخ به این سؤالات، می‌توانیم خود را ارزیابی کنیم و دریابیم تا چه حد از مسح الهی برخورداریم و چه مقدار این مسح در ما قوی یا ضعیف می‌باشد.

**۱- مسح الهی مکاشفه مستقیم و شخصی الهی است که از طرف خدا بر دل و طلب خدمت آشکار می‌شود**  
این موضوع یک امر تجربی است که فقط کسانی می‌توانند آن را درک کنند که از این مرحله عبور کرده باشند. در این قسمت، خادم خدا در وهله اول با خدا یک ملاقات خاص می‌کند و وارد مرحله جدیدی از شناخت خدا می‌شود؛ سپس در باره خدمت به خدا و نوع این خدمت کشف مخصوصی به‌دست می‌آورد، بدین معنا که اهمیت نوع خدمت بر او آشکار می‌شود. او در می‌یابد که خدا او را برای چه خدمت مقدسی و در چه مکانی دعوت نموده است. او می‌تواند مانند رسولان

شهادت داده، بگوید:

آنچه از ابتدا بود و آنچه شنیدیم و «به چشم خود دیده و آنچه بر آن نگریستیم و دستهای ما لمس کرد» در باره کلمه حیات... به شما خبر می‌دهیم از حیات جاودانی که... «بر ما ظاهر شد»... از آنچه «دیده و شنیده‌ایم» شما را اعلام می‌نمایم... (اول یوحنا ۱: ۱-۳، شهادت یوحنا).  
زیرا که در پی افسانه‌های جعلی نرفتم چون از قوت و آمدن عیسی مسیح شما را اعلام دادیم، بلکه کبریا می‌او را «دیده بودیم»... و این آواز را زمانی که با وی درکوه مقدس بودیم «شنیدیم» که از آسمان آورده شد (دوم پطرس ۱: ۱۶-۱۸، شهادت پطرس).

او گفت خدای پدران ما تو را برگزید تا اراده او را «بدانی» و آن عادل را «بینی» و از زبانش سخنی «بشنوی» زیرا از آنچه «دیده و شنیده‌ای» نزد جمیع مردم شاهد بر او خواهی شد (اعمال ۲۲: ۱۴-۱۵، شهادت پولس).

اما ای برادران، شما را اعلام می‌کنم از انجیلی که من بدان بشارت دادم که به طریق انسان نیست زیرا که من آن را از انسان نیافتم و نیاموختم مگر به کشف عیسی مسیح... اما چون خدا... رضا بدین داد که پسر خود را در من آشکار سازد تا در میان امتهای بدو بشارت بدهم، در آن وقت با جسم و خون مشورت نکردم (غلاطیان ۱: ۱۱-۱۲ و ۱۵-۱۶، شهادت پولس).

شما از این شهادت‌های با شکوه رسولان

نوشته کشیش ادوارد هوسپیان

مسیح در باره مکاشفه الهی برای خدمتشان، به چه نکته‌ای پی می‌برید؟ یکبار دیگر این آیات را با دقت و عمیقاً مطالعه کنید و اجازه بدهید روح القدس مفهوم این تجربه غنی و مکاشفه الهی را برای شما روشن سازد، مکاشفه‌ای که هدفش شناساندن خدا و نحوه خدمت به او می‌باشد. آیا شما نیز می‌توانید در باره تجربه خود در زمینه خدمت به خدا، اینگونه شهادت‌هایی یا مشابه آنها را بدهید؟ در حقیقت باید گفت که شروع مسح یک خادم خدا از همین نقطه آغاز می‌شود. بدون ملاقات خاص با خداوند، چه می‌خواهیم به مردم بگوییم؟ در باره چه کسی می‌خواهیم صحبت کنیم؟

آیا قضاوت مردم بر زندگی خادمی که چنین تجربه‌ای را با خداوند به‌طور مرتب ندارد، چنین گفته‌ای نخواهد بود: «حرف‌های خوبی می‌زند. سخنران و ناطق ماهری است. داستانهای زیبایی تعریف می‌کند. ولی گویا خودش هم باورش نشده که آنچه می‌گوید درست است، چون کسی را که در موردش سخن می‌گوید نشناخته است و در نتیجه از جانب او هم فرستاده نشده است. آنچه از او می‌شنویم، پیغام خدا نیست.»

عزیزان، نباید به یک یا دو بار ملاقاتی که در گذشته با خدا داشته‌ایم اکتفا کنیم، بلکه (بقیه در صفحه بعد)

(دنباله صفحه قبل)

لازم است ملاقات‌های مستمر با خدا داشته باشیم و از او برای خدمت و پیام خود مکاشفات جدیدی دریافت کنیم. باید از خداوند همان را بشنویم که به پولس فرمود:

ولیکن برخاسته، بر پا بایست زیرا که بر تو ظاهر شدم تا تو را خادم و شاهد مقرر گردانم بر آن چیزهایی که مرا در آنها «دیده‌ای» و بر آنچه به تو در آن ظاهر خواهم شد (اعمال ۱۶:۲۶).

این چنین مسیحی در نتیجه ماندن در حضور خدا به دست می‌آید. بهترین آموزشگاه برای کسی که می‌خواهد برای خدمت به خدا تربیت شود و مکاشفات الهی به دست آورد، زندگی در حضور خداست.

## ۲- مسح الهی به معنای داشتن اطمینان مطلق و شخصی از دعوت الهی است.

جان و سلی می‌گوید: «هر خادمی که ادعا می‌کند که دعوت الهی دارد تا انجیل خداوند ما عیسی مسیح را موعظه کند، باید با اطمینان مانند خداوند ما عیسی مسیح بگوید:

روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکسته‌دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه کنم و تا کوبیدگان را آزاد سازم و از سال پسندیده خداوند موعظه کنم (لوقا ۴: ۱۸-۱۹).

مارتین لوتر می‌گوید: «در انتظار دعوت خدا به سر ببرید. حتی اگر از سلیمان و دانیال نیز داناتر باشید، تا وقتی از طرف خدا اطمینان دعوت الهی را ندارید، از موعظه کردن اجتناب کنید تا کار خدا خراب نشود.»

اسقف متیو سیمن می‌گوید: «بهتر است شخصی در معدن ذغال سنگ کار کند یا سنگهای بین راه را خرد کند تا اینکه بدون دعوت از طرف خدا و بدون تأیید کلیسا برای خدمت به خدا داوطلب شود.»

غالباً دعوت خدا با یک تجربه روحانی و نیرومند همراه است. شخص دعوت شده در عین حال که مانند موسی و ارمیا و عاموس و جدعون و پولس و دیگران در برابر عظمت دعوت الهی خود را قاصر و ناتوان و بی‌کفایت می‌بیند، اما در ضمن یقین و اطمینان جدی از جانب روح القدس به او بخشیده می‌شود و پی می‌برد که غیر از کار خدا به شغل دیگری نمی‌تواند مشغول شود. باید دانست که بیشترین ضربه را کسانی به کار خدا زده‌اند که برای خدمت روحانی دعوت نداشته‌اند.

بنابراین، دعوت غیرحقیقی با دوندگی و تلاش انسانی بدون فرستاده شدن از جانب خدا، کار بسیار خطرناکی است. در این زمینه، ماجرای اخیمص و کوشی بسیار آموزنده می‌باشد؛ به علت رعایت اختصار از تشریح آن خودداری کرده، مطالعه آن را از دوم سموئیل ۱۸: ۲۴-۳۳، به خودتان واگذار می‌کنیم.

بهتر است که شخص زندگی خود را صرف کارهای دنیوی مفید یا بی‌ضرر نماید، تا اینکه در عالم روحانی که همه چیز مقدس است وارد شده، کارهای بی‌فایده انجام دهد.

دکتر چالمرز در باره اطمینان به دعوت الهی اینطور می‌نویسد: «دعوت مخصوص و غیرعادی برای خادم خدا اعتقاد و یقین است بر اینکه خدا این وظیفه مخصوص را به او واگذار نموده است و اگر شخص آن کار را انجام ندهد جان خود را هم از دست خواهد داد. به عقیده من هیچکس نباید به میز مقدس نزدیک شود مگر اینکه دعوت مخصوصی را دریافت کرده باشد. و وقتی که کسی این دعوت را دریافت می‌کند، باید بداند که اگر در انجام آن کوتاهی ورزد، چه نتایجی به بار خواهد آمد.»

## ۳- انگیزه‌های نادرست برای ورود به خدمت خدا

در پایان لازم به تذکر است که اگر کسی

در اثر عوامل زیر وارد خدمت شده باشد، او را نمی‌توان از دعوت الهی برخوردار دانست:

- ورود به خدمت خدا در اثری بیکاری.
- ورود به خدمت خدا در اثر این تفکر اشتباه که خدمت کلیسا کاری است آسان، در نتیجه می‌توان زندگی راحتی داشت.
- چشم‌هم‌چشمی و رقابت با دیگران، خصوصاً با افراد هم‌سطح که قبلاً وارد خدمت کلیسا شده‌اند.

- تشویق یا اصرار یا خواهش دیگران و رهبران، طوری که شخص در اثر احساس اجبار یا رودریاستی، وارد خدمت شود.

- وارد شدن به خدمت کلیسا به علت نبودن افراد دیگر، و اجباراً و ناخودآگاه قرار گرفتن در شکاف (حزقیال ۲۲: ۳۰)؛ در اینصورت، وقتی فرصت بهتری دست بدهد، یا وقتی شخص دیگری برای قرار گرفتن در همان شکاف اظهار علاقه بکند، آن فرد از خدمت کناره‌گیری خواهد کرد.

- ورود به خدمت با انگیزه‌هایی نظیر کسب موقعیت و مقام اجتماعی، مورد توجه قرار گرفتن، جلب توجه مردم، محبوبیت، ارضای حس ریاست‌طلبی، کسب مقام رهبری، و امثال اینها.

دوستان عزیز، انگیزه شما از ورود به خدمت به خدا چه بوده است؟ آیا از طرف خدا برای این خدمت خوانده شده‌اید؟ آیا مانند رسولان مسیح برای خدمت روحانی مکاشفه مستقیم الهی دارید؟ آیا اطمینان دارید که خدا به شما عطای الهی برای خدمت روحانی را سپرده است؟ چنانچه صادقانه پاسخ شما به این سؤالات مثبت باشد، دعا می‌کنم مطابق قدرت و مسح الهی که بر شما قرار دارد، خدمت به خدا را دنبال کنید.

در شماره بعد، مطالب خود را در راستای علائم مسح و دعوت الهی ادامه خواهم داد. خداوند مسح شما را تقویت کند. آمین.

## کشف کلام خدا

### از کشیش قَت استیوارت

پرداخت. دکتر هادِن رابینسون که استاد رشته موعظه است، موعظه تشریحی را اینچنین توصیف می‌کند:

«موعظه تشریحی انتقال و اعلام مفهوم کتابمقدس می‌باشد، مفهومی برخاسته از بررسی تاریخی، ادبی، و گرامری بخشی از کتابمقدس در چارچوب درستش. این مفهوم را روح‌القدس نخست در زندگی و تجربه واعظ پیاده می‌کند، سپس از طریق او در زندگی شنوندگانش.»

واعظی که مشتاق است مکاشفه الهی را موعظه کند، باید بگذارد کلام خدا برای خودش سخن بگوید؛ او کتابمقدس را تبدیل به وسیله‌ای برای ابراز و اعلام عقاید خودش نمی‌سازد. او از روش بعضی از واعظین پیروی نمی‌کند که وعظ خود را با قرائت بخشی از کتابمقدس آغاز می‌کنند و سپس مطالبی را در موعظه ارائه می‌دهند که اصلاً ارتباطی به آن بخش ندارد. او منبر را برای تخلیه خشمش بر مردم، یا انتقال حس گناه برای تحریکشان به عمل خاصی، یا بذله‌گویی برای سرگرم کردن ایشان به کار

(بقیه در صفحه بعد)

### اهمیت موعظه تشریحی

صاحب‌نظران معتقدند که سالم‌ترین روش موعظه، روش موعظه تشریحی است، چرا که در این روش، واعظ پیام خود را فقط محدود به مطالبی می‌کند که در آن آیات آمده است. خطر روش موضوعی در این است که ممکن است واعظ با استفاده از آیات مختلف و پراکنده، عقاید و نظرات خود را به‌عنوان پیام خدا به شنوندگان عرضه کند.

**واعظ خوب کتابمقدس را تبدیل به وسیله‌ای برای ابراز و اعلام عقاید خودش نمی‌سازد. او منبر را برای تخلیه خشمش بر مردم، یا انتقال حس گناه برای تحریکشان به عمل خاصی، یا بذله‌گویی برای سرگرم کردن ایشان به کار نمی‌گیرد.**

ما در این مقاله، بر اهمیت موعظه به روش تشریحی (Expository Preaching) تأکید گذارده، به توضیح آن خواهیم

در شماره قبل، در این زمینه بحث کردیم که چقدر مهم است که موعظه را به زندگی واقعی شنوندگان ربط دهیم. در این شماره، می‌خواهیم به کشف این نکته بپردازیم که چگونه می‌توانیم پیغام خدا را از کتابمقدس استخراج کنیم.

### سه روش عمده برای تهیه موعظه

پیش از بحث در این زمینه، لازم به یادآوری است که در تهیه موعظه از سه روش کلی می‌توان استفاده کرد: روش تشریحی، روش آیه‌ای، و روش موضوعی. در روش تشریحی، واعظ چند آیه از کتابمقدس را انتخاب و پیام آنها را برای شنوندگان تشریح می‌کند. در روش آیه‌ای، واعظ موعظه خود را فقط بر یک آیه بنا می‌کند. در روش موضوعی، واعظ در باره موضوعی که در فکر و دل دارد، موعظه تهیه می‌کند، برای مثال، در مورد قدرت خدا در زندگی فردی یا در خدمت خادم.

(دنباله صفحه قبل)

نمی‌گیرد، بلکه می‌کوشد در مقام نبی و سخنگوی خدا، بگوید که «این است پیام خدا به ما.»

## سه گام برای تهیه موعظه

### گام اول

برای اینکه مطمئن شوید که پیام خدا را با امانت بیان می‌دارید، نخست باید بکوشید که مقصود اصلی نویسنده را در چارچوب و زمینه تاریخی اش کشف کنید. در این مرحله است که کتاب‌های تفسیر و کتاب راهنمای مطالعه کتاب مقدس کمک بزرگی خواهند بود.

### گام دوم

دومین گام این است که واعظ تشخیص دهد که خدا چگونه می‌خواهد شخص او را تغییر دهد. مطمئنم که همگی ما دچار این وسوسه شده‌ایم که کتاب مقدس را مشتاقانه مطالعه کنیم تا آن را به زندگی دیگران مربوط سازیم، نه به زندگی خودمان. به یاد دارم که واعظ توانایی یکبار به من گفت که موعظه‌ای که در عقل واعظ تهیه شده باشد، بر عقل مردم تأثیر خواهد گذاشت؛ ولی موعظه‌ای که در زندگی واعظ شکل گرفته باشد، بر زندگی مردم تأثیر خواهد گذاشت. اگر حقیقتی را شخصاً تجربه کرده باشید، با اشتیاقی بسی بیشتر موعظه‌اش خواهید کرد، تا حقیقتی که فقط خوانده باشید؛ آن اشتیاق است که مردم را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به همین دلیل است که

نمونه‌هایی که در موعظه از زندگی خودتان بازگو می‌کنید، اغلب اثر بیشتری بر شنونده می‌گذارد. تجربه به من نشان داده که وقتی موقعیت خاصی از زندگی خود را بازگو کرده‌ام که از آن درسی روحانی گرفته‌ام، بعد از موعظه افراد بیشتری برای دریافت مشورت و دعا به من مراجعه کرده‌اند. آنها می‌گفتند که نزد من می‌آیند چون می‌بینند که من نیز درگیر همان کشمکشهایی هستم که خودشان هستند. برای مثال، من اغلب تعلیم می‌دهم که باید در هر شرایطی خدا را شکر کنیم؛ اما این تعلیم زمانی تأثیر عمیق تری می‌گذارد که تجربه بچه‌دار شدن خودمان را با شنوندگان در میان می‌گذارم. دکتر به ما گفته بود که نمی‌توانیم صاحب فرزند شویم؛ اما من و همسرم از کلام خدا اطاعت کردیم و در همان شرایط مایوس‌کننده خدا را شکر گفتیم. با نهایت تعجب، همسرم باردار شد و پسری به دنیا آورد که او را تیموته نامیدیم، یعنی «هدیه خدا». این نمونه که تجربه شخصی خودم است، شنوندگان را بیشتر متقاعد می‌سازد که مانند من در هر شرایطی خدا را شکر کنند.

### گام سوم

سومین گام این است که واعظ دعا کند تا طوری سخن بگوید که شنوندگان مقصود اصلی اش را درک کنند. آنها باید درک کنند که پیام ما چه بوده است. من هر چقدر بیشتر موعظه می‌کنم، با کمال تعجب بیشتر پی می‌برم که بسیاری از مردم اصلاً متوجه مقصود اصلی من نمی‌شوند. به یاد دارم که یک بار در باره موضوعی موعظه می‌کردم که

عنوانش این بود: «هر چه بخوریم، همان می‌شویم!» روی این موعظه خیلی کار کرده بودم تا نشان دهم که شخصیت ما را افکار و تفکرات ما شکل می‌دهند. بعد از جلسه، خانمی پیشم آمد و با تشکر گفت که تشویق شده که حتماً رژیم بگیرد! او مطلقاً متوجه مقصود پیام من نشده بود. عوامل بسیاری هست که بر توانایی درک افراد اثر می‌گذارد؛ واعظ باید از این عوامل آگاهی داشته باشد. یک بی‌ایمان نمی‌تواند جهالت صلیب را درک کند؛ کسی که در طغیان و عصیان زندگی می‌کند، گوشه‌های خود را بر روی حقیقت بسته است؛ و شخص افسرده و غم‌زده آنقدر دردمند است که قادر به شنیدن نمی‌باشد. اما دل‌سرد نشوید! این موانع و نیازها دقیقاً راههایی هستند برای نفوذ در دل شنوندگان، به شرطی که بتوانید پیام انجیل را به دردها و رنجهای مردم مرتبط سازید. سی. اس. لوئیس چه درست نوشته که «خدا در شادبهای ما با ما زمزمه‌وار سخن می‌گوید و در دردهایمان با فریاد!» موعظه کردن کاری است بس دشوار. باید کلام را مطالعه کنید. باید زندگی خودتان را به روی مسیح بگشایید و مطیع او باشید؛ همچنین باید روحیات مردم را مطالعه کنید و بیاموزید که چگونه در موعظه‌تان مشکلاتشان را مورد تحلیل قرار دهید. برای این کار، باید با اعضای کلیسایتان وقت صرف کنید و با ایشان و برای ایشان دعا کنید. پاداشی بزرگتر از این برای خادم وجود ندارد که ببیند جماعتش در فیض و قدوسیت رشد می‌کنند.



(دنباله صفحه ۱)

شدن با او و مردن نسبت به خویشتن و غرور خویش را درک کنیم تا بتواند کاری جدید در ما آغاز کند. خدا ما را بسیار خوب می‌شناسد و می‌داند که برای تغییر ما چه چیزی نیاز است.

خدا اجازه می‌دهد که زندگی مان از هم فرو پاشد، زیرا

۱- ما به ندرت قبول می‌کنیم که نیاز به تغییر داریم، مگر اینکه زندگی مان غیر قابل تحمل شود (فیلیپیان ۳: ۱۰). ما با زندگی بازی می‌کنیم مانند یک کودک که با کبریت بازی می‌کند تا زمانی که دستش را بسوزاند یا بدتر از آن، تمام خانه را به آتش بکشد؛ آنگاه پی خواهد برد که هشدارهای والدینش چقدر درست بوده است. آیا زندگی دستتان را سوزانده است؟ در اینصورت، بپذیرید که نیاز به تغییر دارید.

۲- ما به ندرت نزد خدا فریاد بر می‌آوریم چون فکر می‌کنیم که می‌توانیم خودمان زندگی مان را اداره کنیم. مزمور ۳۴ را بخوانید؛ مشاهده خواهید کرد که وقتی نزد خدا فریاد بر می‌آوریم، چه برکاتی نصیبمان می‌شود. زمانی مشخص می‌شود که بالاخره اشکال خود را پذیرفته‌ایم که نزد دیگران هم به آن معترف باشیم. هیچگاه آن روز را فراموش نمی‌کنم که در مقابل جماعت کلیسایم ایستادم و به ایشان گفتم که «دیگر قادر به شانی ایشان نیستم چونکه زیر بار سنگین آن خرد می‌شوم؛ برای همین همه چیز را به شبان جدیدمان، خداوند عیسی، شبان اعظم گله سپرده‌ام.» از آن روز به بعد، کاری که روح القدس در میان آن جماعت انجام داد، باعث حیرت من بوده است. خدا سعی می‌کرد مرا از سر راه بردارد تا خودش بتواند کار کند.

۳- ما به ندرت به آن اندازه فروتن می‌شویم که بدون چشیدن طعم شکست، از خدا درس بیاموزیم. در یوحنا ۱۲: ۲۴، عیسی فرمود که اگر دانه بر زمین نیفتد و نمیرد، زندگی جدیدی به وجود نخواهد آورد. این امر در مورد ما نیز صدق می‌کند. ما باید نسبت به خویشتن و غرورمان بمیریم و زیر بار زندگی خرد شویم تا خدا بتواند عدالتش را در ما به ثمر برساند. شاید به همین دلیل است که پناهندگان دلخسته و دلشکسته، کلام خدا را بهتر می‌آموزند تا مسیحیان از خود-راضی و مرفه. اگر زندگی تان از هم فرو پاشیده، بار دیگر به سوی حکمت ابدی خدا در کلامش باز گردید و خود را از آن سیراب سازید و ببینید خدا چه تغییراتی را می‌خواهد در زندگی تان به وجود آورد.

تت استیوارت

## تربیبون آزاد

مسیحیت، هیچگاه متناسب با هویت فرهنگی این ملت تعریف نشده است.

شناخت واقعیت‌های کتابمقدس و روشن کردن ریشه‌های حقیقی آن در چارچوب فرهنگ ایرانی از نیازهای مبرم در جنبش نوپای مسیحیت در ایران می‌باشد...

ما مسیحیان فارسی‌زبان صاحب یکی از باارزشتترین میراث‌های ادبی و فرهنگی در دنیا می‌باشیم. آیا لازمه مسیحی بودن، محرومیت از این میراث است؟ ... اگر قرار است که ایرانیان مسیح و مسیحیت را به خوبی دریابند

در این بخش از مجله، بخشهایی از نامه دریافتی از خواننده عزیزمان، علی خ. از فرانسه را که برای خادمین گرامی مفید تشخیص دادیم، درج می‌نمایم. ایشان می‌نویسند:

مسیحیت ایران و ایرانیان همیشه تاریخ و روایتی دردناک داشته و همواره از نقطه‌ای شروع شده، سپس به اوج می‌رسید و بعد از اندک زمانی، ناگهان خاموش می‌شد... شاید یکی از دلایل این فرایند این باشد که هیچگاه تعالیم کتابمقدس و آموزه‌های اصیل

و بشناسند، این شناخت می‌تواند از طریق اندیشه و فرهنگ و ادب ایرانی ریشه‌دارتر گردد... اگر به کتاب‌های کتابمقدس خوب دقت کنیم، خواهیم دید که روح القدس از گذرگاه ادب و فرهنگ هر نویسنده استفاده می‌کرده تا پیامش را متناسب با فرهنگ آن ملت و آن زمان بیان نماید.

باشد که مسیحیان ایرانی نیز به این امر همت گمارند و مسیحیت را متناسب با فرهنگ و میراث غنی خویش ادراک و تبیین نمایند.

(دنباله صفحه ۴)

این پنج هدف، بر دیگری اولویت ندارد و باید به هر یک توجه کافی بشود. کلیسای سالم یعنی کلیسایی که در آن بین اهداف موازنه وجود دارد.

علاوه بر این پنج هدف، کلیسا باید پنج مرحله نیز داشته باشد تا مردم را از یک مرحله یا سطح به مرحله بعدی هدایت کند. این پنج مرحله را پنج دایره متحدالمرکز در نظر بگیرید. در دایره بیرون که از همه بزرگتر است، افرادی قرار دارند که در جامعه ما هستند و ما می‌خواهیم بشارت مسیح را به آنان برسانیم. اینان هنوز ایمان نیاورده‌اند. دایره بعدی را کسانی تشکیل می‌دهند که به کلیسای ما می‌آیند ولی هیچ‌گونه تصمیم و تعهدی از خود نشان نداده‌اند و به اصطلاح «هواخواهند». دایره سوم را اعضای کلیسا تشکیل می‌دهند. دایره چهارم اعضای متعهد کلیسایند. اینها کسانی هستند که ده یک خود را مرتب می‌دهند و در جلسات شرکت می‌کنند و در فعالیت‌های کلیسایی نقشی دارند. خلاص اینها کسانی هستند که می‌توان رویشان حساب کرد. و بالاخره آخرین و کوچکترین دایره را رهبران کلیسا تشکیل می‌دهند. شاید چنین تقسیم بندی‌ای به نظر مصنوعی بیاید، اما در زمان عیسی مسیح نیز وضع چنین بود. او سه یار نزدیک داشت، سپس دوازده رسول و بعد هفتاد شاگرد و تعداد زیادی مرید و جماعتی که دور و بر او بودند.

هر کلیسای موفق باید بتواند برای این پنج گروه برنامه و هدف داشته باشد. کوشش کلیسا باید این باشد که هرچه ممکن است مردم را از دایره خارج بطرف دایره داخلی سوق دهد؛ به سخنی دیگر، از مردم بی‌ایمان رهبر بسازد!

## ۴) به کارگیری اهداف پنجگانه در همه بخشهای کلیسا

این از همه مهم‌تر و مشکل‌تر است. این اهداف عملاً باید در بودجه‌بندی، برنامه‌ریزی، استخدام، موعظه، کانون شادی، تعلیم و غیره دخالت داشته و به کارگرفت شوند. برای چنین کاری باید کلیسایاتان دگرگون شود. این دگرگونی در ده سطح باید صورت گیرد:

۱) مردم را از خارج به داخل کلیسا هدایت کنید، یعنی برنامه داشته باشید تا آنها را به ترتیب از دایره بیرون به دایره درون هدایت کنید. برخی کلیساها نمی‌خواهند هیچ عضو تازه‌ای داشته باشند. آنها فقط به فکر حفظ موجودیت خود هستند. برای هر یک از این دایره‌ها می‌توان برنامه‌ریزی کرد و از مردم برای اجرای برنامه‌ها استفاده کرد. هر عضو در کلیسا باید خدمتی داشته باشد.

۲) برنامه‌های کلیسایی را بر اساس این پنج دایره طرح و اجرا کنید. اگر در کلیسایاتان برنامه‌ای هست که به هیچ یک از این اهداف کمکی نمی‌رساند، آن را از میان بردارید! هر فعالیت و برنامه‌ای در کلیسا باید هدف معقول و صحیح را دنبال کند.

۳) اعضای خود را با توجه به اهداف کلیسا، تعلیم دهید. تعلیم باید به مردم کمک کند تا در امر پرستش، بشارت، مشارکت، شاگردسازی و خدمات رشد کنند. برای هر یک از این پنج هدف می‌توان کلاس و سمینار ترتیب داد.

۴) گروه‌های کوچک خانگی بر اساس اهداف پنجگانه تشکیل دهید. گروه حقیقیان داشته باشید، همچنین گروه خدمات و غیره. لازم نیست همه گروه‌ها یک نوع برنامه داشته باشند. هر گروه طبق نیاز و هدف باید تشکیل شود.

۵) رهبران و خادمین، استخدام کنید که

برای یک هدف خاص استعداد و غیرت دارند. کسانی را به رهبران کلیسا اضافه نکنید که صرفاً آدمهای خوب و روحانی هستند. هر یک از این رهبران می‌توانند مسؤول یکی از اهداف کلیسا باشند و آن را گسترش دهند. این رهبران لازم نیست حتماً استخدام شوند. می‌توان از افراد داوطلب شروع کرد و وقتی کلیسا رشد کرد، به استخدام نیمه وقت و سپس تمام وقت پرداخت. هر کلیسای کوچکی می‌تواند از این طرح استفاده کند.

۶) ساختار کلیسا را بر اساس این اهداف شکل دهید. برای هر یک از اهداف کلیساگروهی ایجاد کنید که زیر نظر یک رهبر کار کند.

۷) موعظه‌های کلیسا نیز باید هدفمند باشد. در موعظه‌هایتان پنج هدف کلیسا را در نظر داشته باشید. می‌توانید برای هر یک از اهداف، یک سری موعظه تهیه کنید.

۸) بودجه‌بندی‌تان باید بر اساس اهداف پنجگانه باشد. پول و وقت خود را باید برای چیزی مصرف کنیم که برای ما مهم باشد.

۹) برنامه‌ریزی بر اساس اهداف. می‌توان جمعاً دو ماه سال را به یک هدف اختصاص داد. در ماهی که هدف خاصی را در نظر دارید، از همه رهبران گروه‌ها بخواهید آن هدف را مورد تأکید قرار دهند. اگر برنامه‌ریزی نکنید، این اهداف مورد تأکید قرار نخواهند گرفت.

۱۰) فعالیت‌های کلیسا را بر اساس این پنج هدف ارزیابی کنید. ارزیابی به ما کمک می‌کند نواقص کلیسا را بدانیم.

در خاتمه این را تأکید می‌کنم که هرچه اعضای کلیسایاتان اهداف را بهتر درک کنند و خود را متعهد سازند و وقف این اهداف نمایند، کلیسایاتان قوی‌تر و سالم‌تر خواهد شد. آمین!

# طرح کلی برای تهیه موعظه

از ت استیوارت

## قیام مسیح چه تغییری به وجود می آورد؟

متی ۱:۲۸-۱۰

### مقدمه

قیام مسیح واقعاً چه تغییری به وجود می آورد؟ آیا قیام مسیح تغییری در نحوه تفکر و احساس و رفتار شما ایجاد کرده است؟ آیا مسیح شما را از اسارت نفس و گناه و رفتارهای آزاردهنده آزاد کرده است. در آیات فوق، مشاهده می کنیم که قیام مسیح چگونه زنانی را که بر سر قبر او آمده بودند، تغییر داد. امروز نیز قیام مسیح می تواند شما را عوض کند.

یک واقعیت تاریخی است و برای ایمان ما حیاتی است (اول قرن نهم تا ۱۴:۱۵). بیایید دلایل آن را ملاحظه کنید:

- ۱- قبر خالی را ملاحظه کنید (پیکر عیسی آنجا نبود)
- ۲- دگرگونی شاگردان را ملاحظه کنید.
- ۳- ۵۰۰ نفر شاهد قیام او بودند.

۴: باید هدف قیام را درک کنید (آیات ۷، ۱۰، ۱۹)

ملاحظه کنید که زنان دلشکسته چگونه با هدفی که در قیام مسیح دیدند، دگرگون شدند.

۵: باید در حضور او زندگی کنید (آیات ۷، ۱۰، ۲۰)

«در آنجا او را خواهید دید.» وقتی به کلام او ایمان می آورید و تسلیم اراده او می شوید و هدف او را درک می کنید، آنگاه حضور او را تجربه خواهید کرد و قیام مسیح شروع به ایجاد تغییر در درونستان خواهد نمود.

۲: باید به کلام او ایمان بیاورید (آیه ۶)

فرشته گفت که عیسی طبق فرموده خودش، قیام کرده است. عیسی در متی ۲۱:۱۶ قیام خود را پیشگویی کرد. کلام او درست است زیرا که به درستی تحقق یافت.

۳: باید قدرت او را تفحص کنید (آیه ۶)

«بیایید جایی را که خداوند خفته بود، ملاحظه کنید.» قیام مسیح

## آگهی

خوشحالیم که آگهی زیر را از اتحادیه کلیساهای باپتیست دریافت کردیم که عیناً درج می کنیم:

«انتشارات نور جهان» کتابهای زیر را منتشر نموده است:

### تجدید چاپ کتابهای

- «عیسی چه می گوید»،
- «از سرگردانی تا رستگاری»،
- «خدای حیات بخش».

### چاپ کتاب «راهنمای عبادتی

کلیسایی»، نوشته کشیش فریدون اسحاق.

### چاپ دوم کتاب «شاگرد»، نوشته خوان

کارلوس ارتیز، ترجمه کشیش فریدون اسحاق.

### چاپ کتاب «رشد روحانی» (تفسیر

رساله یعقوب)، نوشته وارن ویرزبی، ترجمه

کشیش فریدون اسحاق.

«اتحادیه کلیساهای باپتیست ایرانی» در

ژانویه ۱۹۹۷ تشکیل شد و یکی از هدفهای

خدمتی آن، چاپ و نشر کتابهای مفید مسیحی

به زبان فارسی می باشد. به همین منظور، با در

نظر گرفتن خدمات مفید و ارزنده «انتشارات

نور جهان» در گذشته ایران، تصمیم گرفته شد

که همین نام، یعنی «انتشارات نور جهان» برای

انتشارات اتحادیه کلیساهای باپتیست ایرانی

به کار گرفته شود. در مدت ۴ سال اخیر،

● چاپ کتاب «رویارویی با سختیها و مصیبت ها»، نوشته چارلز استانلی، ترجمه کشیش فریدون اسحاق.

علاقتمندان می توانند کتابهای مذکور را از محل های زیر سفارش بدهند:

- SBIC, P.O. Box 24278  
San Jose, CA 95154  
U.S.A.

- ICI, P.O. Box 25607  
Colorado Springs, CO 80936  
U.S.A.

با درود مسیحی

کشیش تونی

مدیر اتحادیه کلیساهای باپتیست

(دنبالهٔ صفحه ۳)

می‌شود، پس این سؤال مطرح خواهد شد که پیام امیدبخش و خبر خوش کلام خدا برای این معضل عظیم چیست؟ پولس رسول، در باب پانزدهم رسالهٔ اول خود به کلیسای قرن‌تس، در بارهٔ انجیلی که به آن کلیسا بشارت داد سخن گفته، اعلام می‌دارد که ایشان بوسیلهٔ آن انجیل نجات یافتند (آیهٔ ۲). پیغام نیکو و خبر خوش رسول از این قرار بود: «مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کتب برخاست» (آیات ۳ و ۴). پس اگر نجات ما در گرو ایمان به رستاخیز مسیح است، لازم است که بیشتر و بیشتر در پیرامون حقیقت قیام مسیح و تأثیر آن در زندگی خود تفکر و تعمق کنیم.

### فاجعه‌ای شش‌گانه

به منظور روشن‌تر ساختن اهمیت قیام عیسی مسیح در زندگی ما ایمان‌داران، در این مقاله سعی من بر این خواهد بود که نتیجه‌گیری پولس رسول را در اول قرن‌تس ۱۲:۱۵-۲۸ مورد بررسی و تفسیر قرار دهم. پولس رسول اعلام می‌کند که عیسی مسیح از مردگان برخاسته است. او می‌گوید: «اینک بیابید فرض کنیم که مسیح از مردگان قیام نکرده است! اگر این فرض درست باشد (که نیست) و مسیح از مردگان برخاسته باشد، فاجعه‌ای شش‌گانه به وقوع خواهد پیوست.

۱- اگر مسیح برخاسته است، آنگاه وعظ ما باطل خواهد بود (آیهٔ ۱۴).

۲- اگر مسیح برخاسته است، آنگاه ایمان ما باطل به حساب خواهد آمد (آیهٔ ۱۴).

۳- اگر مسیح برخاسته است، آنگاه ما در بارهٔ خدا به دروغ شهادت می‌دهیم؛ یعنی زمانی که می‌گوییم که خدا مسیح را از مردگان قیام داد، در واقع به او تهمت دروغ می‌زنیم (آیهٔ ۱۵).

۴- اگر مسیح برخاسته است، ما هنوز بخشایش گناهان خود را دریافت نکرده‌ایم و هنوز در گناهان خود گرفتار می‌باشیم (آیهٔ ۱۷).

۵- اگر مسیح برخاسته است، آنگاه تمام کسانی در مسیح مرده‌اند، هلاک گردیده‌اند (آیهٔ ۱۸).

۶- اگر مسیح برخاسته است، آنگاه از تمامی مردمان این جهان بدبخت‌تریم (آیهٔ ۱۹).

### موهبتی شش‌گانه

ولی عیسی مسیح از میان مردگان قیام کرده است. قبر خالی عیسی مسیح، مایهٔ امیدواری و شادی ماست. پولس رسول گفت که اگر مسیح برخاسته باشد، فاجعه‌ای شش‌گانه‌ای رخ داده است. ولی ما می‌دانیم عیسی مسیح از مردگان قیام کرده است. پس بیابید این فاجعه‌های شش‌گانه را به صورت مثبت و از دید رستاخیز نگاه کنیم.

۱- چون عیسی مسیح از مردگان قیام کرده است، پس وعظ ما هرگز باطل نیست. کلام موعظهٔ ما همیشه ثمر خواهد آورد. هرگاه که فرزندان مسیح قیام کرده به او شهادت دهند و به او موعظه کنند، اتفاقی عظیم و نجات‌بخش رخ خواهد داد.

۲- چون عیسی مسیح از مردگان قیام کرده است، پس اطمینان داریم که ایمان ما باطل نیست. می‌دانیم که به که ایمان آورده‌ایم و یقین داریم که او قادر است که امانت ما را تا آن روز عظیم محافظت کند.

۳- چون عیسی مسیح از مردگان قیام کرده است، پس ما در بارهٔ خدا شهادت دروغ نمی‌دهیم و کلام ما تهمت به خدا نیست و شهادت ما باعث بدنامی او نمی‌باشد.

۴- چون عیسی مسیح از مردگان قیام کرده است، پس اطمینان داریم که گناهان ما آمرزیده شده است و از گناهان خود آزاد هستیم.

۵- چون عیسی مسیح از مردگان قیام کرده است، پس هرگاه که از این جهان رحلت کنیم، با او در ملکوت زندگی خواهیم کرد و ایمان داریم که هر کس که در مسیح جان سپرده است، با او در ملکوت جاودانی خدا زندگی خواهد.

۶- چون عیسی مسیح از مردگان قیام کرده است، پس ما از جمیع مردم این جهان خوشبخت‌تریم!

### زندگی با عیسی قیام‌کرده

سالها پس از نگارش این رساله، پولس رسول نامه‌ای به کلیسای روم ارسال کرد و در آن نوشت که پیروان عیسی مسیح، به وسیلهٔ تعمید (غرق شدن) در عیسی مسیح، در حقیقت در موت او تعمید یافته‌اند. «پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آنکه به همان قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم» (رومیان ۶:۴). پولس می‌گوید اینک که شما به خداوند قیام‌کرده ایمان آورده‌اید، مطابق آن زندگی نوینی که از او دریافت کرده‌اید رفتار کنید. «همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید، اما برای خدا در مسیح عیسی زنده. پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوسهای آن را اطاعت نمایید» (رومیان ۶:۱۱-۱۲). کلام خدا به ما می‌آموزد که به خاطر گناه آدم و حوا، موت به این جهان داخل گردید. دشمن ترسناک ما به خاطر گناه پدرمان آدم وارد این جهان شد. پولس می‌گوید: «مزد گناه موت است»، ولی خدا عیسی بی‌گناه را از مردگان قیام داد تا آنکه تمامی کسانی را که در موت عیسی تعمید یافته‌اند، به وسیلهٔ قیامت او نجات بخشیده، حیاتی جاودانی عطا فرماید.